

## تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص)

سید محمد مرتضوی\*

### چکیده

نیاز بشر به تعلیم و تربیت، نیازی دیرینه است که بر اساس شواهد و قراین، در هر جامعه‌ای انسانهایی که از نعمت دانش برخوردار بودند در صدد رفع این نیاز برمی آمدند و متناسب با توانایی علمی، امکانات و... به گسترش دانش می‌پرداختند. این گونه آموزشها، شخصی و سلیقه‌ای و منطقه‌ای بود. با گسترش ارتباطات، پیدایش نیازهای جدید و... وجود نیروی انسانی کارآمد به اندازه کافی ضرورت یافت. بر این اساس، نظامهای آموزشی با اهداف، مراحل، روشها و الگوهای خاصی در دنیا شکل گرفتند. نظامهای آموزشی موجود در جهان، از عوامل متعددی از جمله جهان‌بینی نظامهای سیاسی حاکم بر کشورها، تأثیر پذیرند. با توجه به جهان‌بینی الهی حاکم بر کشور اسلامی، نظام آموزشی آن حداقل در سه جهت باید با سایر نظامهای آموزشی متفاوت باشد: ۱. جهت‌گیری آموزشی؛ ۲. محتوای آموزشی؛ ۳. الگوهای آموزشی. این مقاله در صدد بررسی تفاوت این سه محور بر اساس آموزه‌های دینی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** اسوه، تعلیم، تربیت، روش مستقیم، روش غیر مستقیم، جهت‌گیری آموزشی، محتوای آموزشی.

\* تاریخ دریافت: ۸۷/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۰۶/۱۸

\* استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد

Email: mortazavi-m@ferdosi.com.ym.com.ac.com.ir

آدرس: مشهد - میدان آزادی - پردیس دانشگاه - دانشکده الهیات - گروه معارف اسلامی. / شماره: ۰۵۱۱۸۸۳۶۰۶۲

## مقدمه

نیاز بشر به تعلیم و تربیت، نیازی دیرینه است. بر اساس قراین و شواهد موجود در همه جوامع، انسانهایی که از نعمت علم برخوردار بوده‌اند در صدد برطرف کردن این نیاز ضروری بشر بر می‌آمدند و متناسب با توانایی، امکانات و... این نیاز را بر طرف می‌کردند. هر چه جهان پیشرفت می‌کرد، ابعاد زندگی بشر گسترش می‌یافت و نیازهای جدیدی برایش مطرح می‌شد که بر طرف کردن آنها، نیازمند تعلیم و تربیت و آموزش افراد متخصص و آموزش‌دیده بیشتری بود.

آموزشها در گذشته، بیشتر شخصی، سلیقه‌ای، منطقه‌ای و بدون سازماندهی و نظام خاصی بود؛ ولی با گسترش ارتباطات، نیازها و ضرورت تربیت نیروی انسانی ماهر، رفته رفته آموزشها، نظام‌مند و دارای مراحل و ساختار با محتوای خاص و الگوهای ویژه طراحی شدند که امروزه در شکل آموزش و پرورش و آموزش عالی به کار ادامه می‌دهند.

گرچه انسانها در رفتار و گفتار خود از مسائل متعددی تأثیر می‌پذیرند، ولی قوی‌ترین عامل تأثیرگذار در انسان، جهان‌بینی اوست. جهان‌بینی؛ یعنی نوع نگاه او به انسانها و جهان یا به تعبیر دیگر؛ تفسیر جهان. هیچ انسانی یافت نمی‌شود که بدون جهان‌بینی باشد: «قل کل يعمل علی شاکلته فربکم اعلم بمن هو اهدی سبیلاً» (اسراء، ۸۴)؛ بگو هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می‌شناسد.

در یک تقسیم کلی، جهان‌بینی‌ها به دو قسم الهی و الحادی تقسیم می‌شوند که هر یک از این دو نوع جهان‌بینی، منشأ دو نوع رفتار، گفتار و افکار خواهند شد: «الله ولیّ الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون» (بقره، ۲۵۷)؛ خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمتها به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.

نظامهای آموزشی در کشورهای مختلف از جهت هدف، روش و محتوا، متأثر از جهان‌بینی نظامهای حاکم بر آن کشورهاست.

در اسلام به اندازه‌ای از ارزش علم و عالم، تلاش برای کسب علم، جایگاه والای استادان و دانشجویان و... سخن گفته شده است که با هیچ نظام حقوقی قابل مقایسه نیست. در حالی که نظام حقوقی ایران قبل از اسلام، توده مردم را از تحصیل علم محروم کرده بود و اربابان کلیسا با علم و دانش و دانشمندان، تا قبل از قرون معاصر سر ستیز داشتند، اسلام نه تنها تحصیل علم را همگانی اعلام کرد، بلکه آن را بر هر مسلمانی واجب ساخت؛ به عنوان نمونه، رسول خدا(ص) فرمود: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵)؛ دانش‌آموزی بر هر مسلمانی واجب است.

از طرفی در روایات اسلامی، برخی از دانشمندان مورد سرزنش قرار گرفته و حتی تهدید شده‌اند؛ به عنوان نمونه، پیامبر اعظم(ص) می‌فرماید: «اشد الناس عذاباً یوم القیامه عالم لم ینفعه علمه» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۱۸۷)؛ شدیدترین عذاب در قیامت شامل دانشمندی است که علمش وی را سود نبخشد.

بنابراین، از مجموع آیات و روایات به دست می‌آید که در فرهنگ اسلامی، تنها دانستن یک سلسله اصطلاحات ارزش ندارد، بلکه این دانش اگر در جهت خاص قرار گیرد ارزشمند خواهد بود. بر این اساس، در روایات اسلامی از دانشمند نیز تعریف خاصی ارائه شده است؛ به عنوان نمونه امام علی(ع) می‌فرماید: «العالم من شهدت بصره اقواله افعاله»؛ دانشمند کسی است که کردارش، گفتارش را تأیید کند (آمدی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۷). از طرف دیگر، تربیت کاری پیوسته و دشوار است؛ از این رو، برای آسان کردن یا به تعبیری؛ برای آسان جلوه دادن تربیت، باید الگو و به تعبیر قرآن؛ اسوه معرفی شود. اسوه را در لغت چنین معنا کرده‌اند: «الاسوه و الاسوه ... هی الحاله التي یكون الانسان علیها فی اتباع غیره ان حسناً و ان قبیحاً» (راغب، ۱۴۲۶، ص ۷۶)؛ اسوه عبارت است از حالتی که انسان هنگام پیروی کردن از دیگران پیدا می‌کند؛ چه این پیروی در امور خوب باشد و چه در امور زشت.

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۵۳

طرح الگو در تعلیم و تربیت، دست کم به دو دلیل ضرورت دارد:

الف) قابل طی کردن مسیر: به دلیل دشواری تربیت، انسان در آغاز کار تربیتی، آن را ناشدنی می‌پندارد. طرح الگو این ویژگی را دارد که کار را شدنی و مسیر را پیمودنی می‌نماید.

ب) ارائه نمونه عملی: کسانی که وارد میدان یک کار تربیتی می‌شوند باید بدانند اگر این مسیر را طی کنند، در آینده به کجا خواهند رسید. طرح الگو در واقع ارائه یک نمونه عملی از کار تربیتی است.

با توجه به ضرورت طرح الگو، خداوند در قرآن کریم پیامبر اسلام(ص) را به عنوان الگوی خوب برای انسانها معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب، ۲۱)؛ مسلماً برای شما در زندگی، رسول خدا(ص) سرمشق نیکویی بود.

بر این اساس، امام علی(ع) برترین بندگان خداوند را کسانی می‌داند که به رسول خدا(ص) اقتدا کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «فتأس بنییک الا طیب الاطهر»(ص)، فأن فیه اسوه لمن تأسی و عزاء لمن تعزی و احب العباد الی الله المتأسی بنبیّه و المقتص الاثره» (نهج البلاغه، ۱۳۶۷، خ ۱۶۰)؛ پس به پیامبر پاکیزه و پاک خود اقتدا کن؛ زیرا او الگویی است برای کسی که الگو می‌طلبد و مایه شکیبایی است برای کسی که شکیبایی طلبد و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که رفتار پیامبرش را سرمشق خود کند و به دنبال او رود.

نظام حاکم بر ایران اسلامی، جمهوری اسلامی است و جهان‌بینی مردم و مسئولان در ایران، جهان‌بینی الهی است. این جهان‌بینی باید در نظام آموزشی کشور نمود داشته باشد.

با توجه به آن جهان‌بینی و این الگو، نظام آموزشی کشور اسلامی که مبتنی بر جهان‌بینی الهی است، باید از دیگر نظامهای آموزشی متفاوت باشد. اکنون سؤال این است

که تفاوت نظام آموزشی اسلامی با سایر نظامها در چیست؟

در واقع در اینجا سه سؤال اساسی مطرح است:

۱. آیا جهت‌گیری آموزشی در نظام اسلامی با سایر نظامها متفاوت است؟

۲. آیا محتوای آموزشی در نظام اسلامی با سایر نظامها تفاوت دارد؟

۳. آیا الگوهای آموزشی در نظام اسلامی با سایر نظامها متفاوت است؟

بر این اساس، در ادامه به دنبال یافتن پاسخ سؤالات یاد شده مطابق آموزه‌های دینی خواهیم بود.

### ۱. جهت‌گیری آموزشی

در اندیشه دینی همه چیز از خداوند است و به او باز می‌گردد. بنابراین، روح دین، تسلیم بودن در برابر خداوند است. خداوند می‌فرماید: «ان الدین عند الله الإسلام» (آل عمران، ۱۹)؛ بدون تردید، دین (پسندیده) نزد خداوند اسلام است. امام علی (ع) نیز اسلام را چنین تفسیر کرده است: «الاسلام هو التسليم» (نهج البلاغه، ۱۳۶۷، حکمت ۱۲۵)؛ اسلام، تسلیم بودن در برابر خداوند است.

باید توجه داشت که مقصود از تسلیم بودن در برابر خداوند، تسلیم بودن در یک مسئله یا زمان خاص یا مکان خاص نیست، بلکه مقصود تسلیم بودن همه‌جانبه و همیشگی است. در قرآن کریم مصداق کامل این نوع تسلیم شدن، رسول اکرم (ص) و مأموریت آن حضرت نیز دعوت مردم به این نوع تسلیم شدن بر شمرده شده است. خداوند درباره رسول اکرم (ص) و مأموریت او چنین می‌فرماید: «قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول المسلمین» (انعام، ۱۶۲ و ۱۶۳)؛ بگو نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است (که) همتایی برای او نیست و به همین مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمانم.

این مفهوم در آیات دیگری نیز درباره پیامبر اسلام بیان شده است از جمله: «قل انی امرت ان اعبد الله مخلصا له الدین و امرت لأن اکون اول المسلمین» (زمر، ۱۱ و ۱۲)؛ بگو من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم و مأمورم که نخستین مسلمان باشم.

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۵۵

مهم‌ترین مسئله در این زمینه، تسلیم روحی و قلبی شدن است؛ زیرا وقتی انسان از نظر روحی و فکری، خداوند را با همه صفاتش پذیرفت و در برابر او تسلیم شد، این تسلیم بودن روحی، در رفتار و گفتار و افکار انسان نیز بروز می‌کند.

باید توجه داشت میزان تسلیم بودن انسانها در برابر دستورات الهی، به میزان شناخت آنان از خداوند و صفات او بستگی دارد. در عین حال، راه‌هایی از عذاب قیامت، تسلیم قلبی بودن انسان است. خداوند می‌فرماید: «یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من أتى الله بقلب سلیم» (شعراء، ۸۸ و ۸۹)؛ در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.

در روایات اسلامی از این تسلیم بودن روحی، به اخلاص تعبیر شده است؛ همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید راه‌هایی، قلب سلیم و تسلیم بودن روحی است، امام علی(ع) می‌فرمایند: «بالاخص یکون الخلاص» (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۹)؛ با اخلاص می‌توان (از عذاب قیامت) رهایی پیدا کرد.

باید توجه داشت هیچ رفتاری از انسان عاقل سر نمی‌زند مگر اینکه او بر این رفتار انگیزه‌ای دارد. رسول خدا(ص) این واقعیت را چنین بیان می‌فرمایند: «لا عمل الا بالنیة» (همان، ص ۴۷)؛ هیچ کاری بدون نیت و انگیزه نیست.

نیت یا انگیزه، جهت‌گیری کار را مشخص می‌کند و هر کاری با هر انگیزه‌ای که انجام شود، بازتاب دنیوی و اخروی آن همان جهت‌گیری یا نیت می‌باشد. امام صادق(ع) این واقعیت را چنین بیان می‌فرمایند: «ان الله یحشر الناس علی نیتهم یوم القیامه» (همان، ص ۴۸)؛ بدون تردید خداوند در قیامت، مردم را بر اساس نیت‌هایشان محشور می‌کند.

در یک تقسیم کلی، انگیزه کارها به دو قسم تقسیم می‌شود:

**الف) انگیزه الهی یا اخلاص:** مقصود از انگیزه الهی این است که شخص در مقام عمل، کار را به خاطر دستور خداوند انجام می‌دهد و اگر خداوند دستور نداده بود، کار را انجام نمی‌داد؛ اما حال که خداوند دستور داده است، گرچه این دستور برخلاف میلش باشد،

اطاعت می‌کند. چنین شخصی، فقط از خداوند انتظار پاداش دارد و از غیر خدا انتظاری ندارد؛ زیرا امام صادق(ع) اخلاص را چنین معنا فرموده است: «والعمل الخالص الذی لاترید ان یحمدک علیه احد الا الله عزوجل» (همان، ص ۶۰)؛ عمل خالص آن است که انتظار ستایش از دیگری غیر از خداوند نداشته باشی.

باید توجه داشت که اخلاص در عمل، تنها با اصلاح انگیزه تحقق می‌یابد که جز خداوند و خود شخص کسی از آن اطلاع ندارد.

**ب) انگیزه غیر الهی:** انگیزه غیر الهی در عمل می‌تواند متابعت از هوای نفس خود یا متابعت از هوای نفس دیگران باشد که در متون دینی از این نوع انگیزه‌ها به ریا و سمعه تعبیر شده است. با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد که نیت، جهت‌گیری کار را مشخص می‌کند، اگر کاری با انگیزه غیر الهی انجام شود، مورد پذیرش خداوند نخواهد بود. رسول خدا(ص) این حقیقت را چنین بیان فرموده‌اند: «ان الله تعالی لا یقبل عمل فیه مثقال ذره من ریا» (بروجردی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۳۸)؛ بدون تردید عملی که ذره‌ای انگیزه غیر الهی داشته باشد، مورد قبول خداوند نخواهد بود.

این قاعده‌ای حقوقی است که اگر کسی برای دیگری کاری انجام دهد، مزدش را باید از همان شخصی که کار برای او انجام گرفته دریافت کند. در قیامت نیز آنان که در دنیا برای خدا تلاش کرده‌اند، پاداش خود را چند برابر آنچه عمل کرده‌اند دریافت می‌کنند و آنان که برای غیر خدا عمل کرده‌اند، جز عذاب بهره‌ای نخواهد برد. خداوند بازتاب عمل هر دو گروه را در قیامت چنین بیان فرموده است: «فأما الذین آمنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم و یزیدهم من فضلہ و اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم عذابا الیما و لا یجدون لهم من دون الله ولیا ولا نصیراً» (نساء، ۱۷۳)؛ اما آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را به طور کامل خواهد داد و از فضل و بخشش خود، بر آنها خواهد افزود و آنها را که ابا کردند و تکبر ورزیدند، مجازات دردناکی خواهد کرد و برای خود، غیر از خدا، سرپرست و یاورى نخواهند یافت.

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۵۷

در روایات اسلامی نیز تصریح شده است آنان که در دنیا برای غیر خدا کار کرده‌اند، در قیامت پاداش خود را باید از همان اشخاص بگیرند. امام صادق(ع) در این خصوص فرموده‌اند: «إياك والرياء فانه من عمل لغير الله و كله الله الی من عمل له» (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶۵)؛ از ریاکاری بپرهیز؛ زیرا آن که برای غیر خدا عمل کند، خداوند او را به همان شخص واگذار می‌کند.

از این رو، استاد مسلمان، افزون بر داشتن یک سلسله معلومات و دانستن یک سلسله اصطلاحات، نیازمند چیز دیگری نیز می‌باشد. حضرت امام خمینی(ره) در این زمینه می‌فرماید: «آن کسی که حتی علم توحید را، علم ادیان را، علم اخلاق را، همه این علوم را دارد، لیکن تزکیه نکرد نفسش را، این یک موجود خطرناک می‌شود برای همه». (امام خمینی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۳۶۰)

بنابراین مهم این است که جهت‌گیری علم ارزشمند را از نظر دین مشخص کنیم. این جهت‌گیری در نخستین آیه‌ای که بر پیامبر اسلام(ص) نازل شده، مشخص گردیده است: «اقرا باسم ربك الذی خلق» (علق، ۱)؛ بخوان به نام پروردگارت که تو را آفرید.

بر اساس آیه یاد شده، علم باید به نام خدا و برای خدا باشد. امام صادق(ع) درباره انسان‌هایی که برای خدا آموزش ببینند، برای خدا آموزش دهد، و برای خدا عمل کنند، می‌فرماید: «من تعلم العلم و عمل به و علم لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً فقیلاً تعلم لله و عمل لله و علم لله» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳)؛ آن که برای خدا آموخت و به آن عمل کرد و برای خدا به دیگران آموخت، در آسمانها از او به بزرگی یاد می‌کنند و می‌گویند: برای خدا آموخته، برای خدا به آن عمل کرده و برای خدا به دیگران آموزش داده است.

جهت‌گیری آموزش و تدریس اهمیت فراوانی دارد، به گونه‌ای که اگر این جهت‌گیری تصحیح شود، کار استاد ارزشی در حد کار پیامبری خواهد داشت. امام خمینی(ره) در این زمینه می‌فرماید:

«اگر چنانچه معلمی باشد که دعوت به نور کند، دعوت به اخلاق صالحه بکند، دعوت



به ارزشهای انسانی بکند، آن ارزشهایی که عند الله ارزش است، اگر معلم این کار را بکند، همان طوری که انبیا مردم را از ظلمات به نور می کشند، این معلم هم، بچه را از ظلمات به نور وارد می کند. همین شغلی است که شغل انبیا است.» (امام خمینی ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۱۴)

بنابراین، استاد مسلمان، گذشته از آنکه خود باید موحد و مخلص باشد، مردم را نیز باید به اخلاص دعوت کند. همان گونه که خداوند می فرماید: «قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا لله مثنی و فرادی» (سبا، ۴۶)؛ بگو شما را تنها به یک چیز اندرز می دهم و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.

## ۲. محتوای آموزشی

در بحث آموزش گذشته از جهت گیری آموزشی، باید محتوای آموزشی هم مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، در الگوهای آموزشی رسول خدا(ص) به مواردی بر می خوریم که بیانگر محتوای آموزشی آن حضرت است و در اینجا به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

**الف) اعلام یکتاپرستی:** استاد مسلمان باید خداپرستی خود را آشکارا اعلام کند و به اعتقاد خویش مباحثات نماید، نه آنکه از ابراز عقاید خود هراس داشته باشد. برای رسیدن به این جایگاه، استاد ابتدا باید خود به توحید در همه ابعاد آن، به خصوص توحید افعالی و ربوبی رسیده و به این اصل به صورت مستدل باور داشته باشد تا بتواند از اعتقادات خود دفاع کند. قرآن کریم در این باره به رسول خدا(ص) دستور می دهد که یکتاپرستی را با صدای بلند اعلام کند: «قل انما یوحی الی انما الهکم اله واحد فهل اتم مسلمون» (انبیا، ۱۰۸)؛ بگو تنها چیزی که به من وحی می شود این است که معبود شما خدای یگانه است؛ آیا (با این حال) تسلیم (حق) می شوید؟ (و بتها را کنار می گذارید؟).

**ب) تبلیغ خداپرستی:** استاد مسلمان نه تنها باید خود مسلمانی واقعی باشد، بلکه باید دیگران را نیز به سوی خدا دعوت کند. برای تحقق این هدف، لازم نیست رشته تدریس او معارف دینی باشد، بلکه مهم این است که جهت گیری تدریس او درست باشد. در این

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۵۹

صورت، در هر رشته درسی می‌تواند دانشجویان را به سوی خدا فرا بخواند. هدف اصلی آموزش پیامبر اسلام(ص) دعوت به سوی خداست. خداوند می‌فرماید: «یا ایها النبی إنا أرسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله یأذنه و سراجاً منیراً» (احزاب، ۴۵)؛ ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذار کننده و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم و چراغی روشن بخش.

**ج) ایجاد تحوّل درونی:** در جهانی که ما زندگی می‌کنیم، عوامل گوناگونی انسانها را به بیرون از خود دعوت می‌کنند. لذا انسانها از هویت خود غافل و با بحران هویت رو به رو شده‌اند. از این رو، استاد مسلمان که کار خود را ادامه کار انبیا می‌داند، باید محتوای آموزشی او دعوت به درون‌مایه جان و حیات انسانها باشد. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم» (انفال، ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خوانند که شما را حیات می‌بخشد!

**د) حق‌گرا بودن:** استاد مسلمان باید در همه مسائل بر محور حق حرکت کند و تمام تلاش خود را به کار بندد که در همه مسائل - چه آنها که به نفعش می‌باشد و چه آنها که به ضررش می‌باشد - حق را رعایت کند. امام علی(ع) این ویژگی رسول خدا(ص) را چنین بیان می‌فرماید: «لا یقصرن الحق و لا یجوزه» (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۸۴)؛ از حق کوتاه نمی‌آمد و از آن تجاوز هم نمی‌کرد.

### ۳. روشهای آموزشی

یک استاد مسلمان، افزون بر آنکه جهت‌گیری و محتوای آموزشی‌اش باید درست و توحیدی باشد، باید از روشهای کاری درستی نیز بهره‌گیرد. یکی از مسائل مهم برای یک استاد، روشهای آموزشی اوست. در یک تقسیم‌بندی کلی، روشهای آموزشی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

#### الف) روشهای غیر مستقیم

مقصود از روشهای غیر مستقیم روشها و ابزارهای است که مخاطب را جذب کرده، او را از نظر ذهنی آماده گوش دادن و پذیرش مطالب می‌کنند. در ذیل به بعضی از روشهای یاد شده اشاره می‌کنیم.

۱. آراسته بودن: ارتباط با دیگران ابتدا به وسیله حواس و به خصوص با چشم انجام می‌گیرد و برای ادامه ارتباط نیز نخستین تصویری که انسان از دیگران در ذهن خود دارد، بسیار مؤثر می‌باشد. بر این اساس، استاد خوب افزون بر برخورداری از صفات نیکو، از نظر ظاهری نیز باید آراسته باشد؛ همان‌گونه که خداوند دستور می‌دهد: «و ثيابك فطهر والرجز فاهجر» (مدثر، ۴)؛ و لباس را پاک کن و از پلیدی دوری کن.

۲. تواضع در برابر پیروان حق: استاد مسلمان باید به گونه‌ای رفتار کند که نه تنها به هیچ وجه بوی تکبر از گفتار و رفتارش به مشام نرسد، بلکه در برابر پیروان حق نیز متواضع باشد؛ همان‌گونه که خداوند دستور می‌دهد: «واخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنین» (شعرا، ۲۱۵)؛ و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر.

۳. تخطئه نکردن دیگران: انسانها دارای نقاط ضعفی هستند، ولی چگونگی برخورد با این نقاط ضعف در آنها متفاوت است؛ بعضی به ضعفهای خود توجه داشته، تلاش می‌کنند آنها را برطرف کنند، ولی عده‌ای نه تنها در صدد برطرف کردن ضعفهای خود نیستند، بلکه تلاش می‌کنند با تخریب دیگران، ضعفهای خود را پوشانده، چنین وانمود کنند که در مقایسه با دیگران برتر می‌باشند. استفاده از این روشها در اسلام پذیرفته نیست. یکی از روشهای قابل توجه اسلامی در این خصوص، روش محاسبه است. محاسبه، توجه به نقاط ضعف و تلاش برای برطرف کردن آنهاست.

امام کاظم (ع) این روش را چنین بیان فرموده است: «یا هشام لیس منا من لم يحاسب نفسه فی کل یوم، فان عمل حسناً استزاد منه و ان عمل سیئاً استغفرالله من و تاب الیه» (ابن شعبه، ۱۴۰۰، ص ۴۱۷)؛ ای هشام! از ما نیست کسی که روزانه خودش را محاسبه

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۶۱

نکند؛ پس از محاسبه روزانه اگر کار خوبی انجام داده، آن را افزایش دهد و تکرار کند و اگر کار بدی انجام داده، به درگاه خداوند استغفار کند و به سوی او برگردد (و مقدمات جبران گناه را فراهم کند).

بی‌گمان پوشاندن ضعف، واقعیت را تغییر نخواهد داد و روزی انسان باید با آن رو به رو شود. تخریب دیگران نیز نه آن ضعف را برطرف می‌کند و نه آن را می‌پوشاند، بلکه نقطه ضعف دیگری بر نقاط ضعف انسان می‌افزاید. براین اساس، تخطئه دیگران به خصوص همکاران، برای جلب توجه برخی افراد، به دور از شأن یک استاد مسلمان است. استاد مسلمان نه تنها نباید نسبت به دیگران هیچ‌گونه کینه و کدورتی داشته باشد، بلکه باید در صدد طلب مغفرت برای آنان برآید و آنچه برای خود می‌خواهد برای آنان نیز بخواهد. این ویژگی در قرآن کریم چنین بیان شده است: «والذین جاؤوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان و لاتجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤوف رحیم» (حشر، ۱۰)؛ و (همچنین) کسانی که بعد از آنها [= بعد از مهاجران و انصار] آمدند و در می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا! تو مهربان و رحیمی.

۴. ابراز محبت به همگان: استاد مسلمان نباید در کلاس، محبت خود را متوجه افراد خاصی نماید، بلکه باید به همه محبت داشته باشد. خداوند می‌فرماید: «و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین» (انبیا، ۱۰۷)؛ ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

۵. شریک مسائل بودن: استاد مسلمان نباید خود را تافته‌ای جدا بافته بداند، بلکه باید به گونه‌ای نسبت به دانشجویان احساس نزدیکی کند که غم آنان را غم خود و شادی آنان را شادی خود بداند و در غم و شادی آنان خود را شریک سازد. خداوند رسول خدا(ص) را چنین وصف می‌فرماید: «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم» (توبه، ۱۲۸)؛ به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است.

امام علی(ع) این ویژگی رسول خدا(ص) را چنین بیان می‌فرمایند: «اذا فقد الرجل من اخوانه ثلاثه ايام سأل عنه، فإن كان غائباً دعاه و ان كان شاهداً زاره و ان كان مريضاً عاده» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۳۳)؛ اگر یکی از برادران دینی خود را سه روز نمی‌دید، از حالش جویا می‌شد. اگر در سفر بود، برایش دعا می‌کرد و اگر حضور داشت، به دیدنش می‌رفت و اگر بیمار بود، از او عیادت می‌کرد.

۶. **امانتدار بودن:** گاهی اوقات انسانها ضعفهای خود را در گفتار یا رفتارشان بروز می‌دهند. اما استاد مسلمان باید به گونه‌ای رفتار کند که اگر وضعی از دانشجو دید، آن را به عنوان یک امانت نزد خود نگه دارد. همچنین همه انسانها برای خود اسراری دارند که نمی‌خواهند دیگری از آنها مطلع شود و اگر به شخصی اعتماد کردند و نکته‌ای را گفتند، او حق ندارد آن را افشا کند. بنابراین، هر گاه دانشجویان به استاد خود اعتماد کرده، مطالبی را گفتند، استاد باید آن مطالب را به عنوان امانت نزد خود نگه دارد. خداوند در قرآن کریم از زبان پیامبرش(ص) چنین می‌فرماید: «ابلاغکم رسالات ربی و انا لکم ناصح امین» (اعراف، ۶۸)؛ رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم.

۷. **دلسوز بودن:** استاد مسلمان باید در تدریس و هدایت افراد دلسوزانه کار کند و خود را همانند طبیعی بداند که همه تلاش خود را برای نجات بیمارش انجام می‌دهد. امام علی(ع) این تلاش رسول خدا(ص) را چنین منعکس کرده است: «طیب دوار بطبه. قد احکم مواهمه و احمی مواسمه، یضع ذلک حیث الحاجه الیه من قلوب عمی و اذان صم و السنه بکم، متتبع بدوائه مواضع الغفله و مواطن الحیره» (نهج البلاغه، خ ۱۰۸)؛ او طیبی بود که به دنبال مریضان بود. مرهم او بهترین درمان - و آن جا که دارو فایده نداشت و می‌بایست محل جراحی را بسوزاند - داغ کردن او سوزان بود. محل کاربرد داروی او دل‌هایی بود که از دیدن حقیقت نایبنا بودند و گوش‌هایی که از شنیدن حق ناشنوا و زبان‌هایی که از گفتن حق لال بودند. او با داروی خود دل‌هایی را می‌جست که (از خدا) غافل یا (به دلیل هجوم شبهه‌ها) حیران و سرگردان بودند.

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۶۳

۸. خون دل خوردن: استاد مسلمان نه تنها تلاش خود را برای آموزش و هدایت دانشجویان به کار می‌گیرد، بلکه در برابر جهالت و گمراهی عده‌ای که به هیچ وجه نمی‌خواهند چیزی یاد بگیرند و هدایت شوند نیز خون دل می‌خورد. خداوند این ویژگی رسول خدا(ص) را چنین بیان می‌فرماید: «فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحدیث اسفا» (کهف، ۶)؛ گویی اگر به این گفتار ایمان نیاورند می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی!

۹. خسته نشدن از کار: کار استاد، کار تربیتی است، از طرفی تربیت‌پذیری افراد متفاوت می‌باشد؛ بعضی افراد سریع تربیت می‌پذیرند، ولی نسبت به برخی افراد باید زمان زیادی سپری شود. از این رو، استاد مسلمان نباید از کار خسته و مأیوس شود، حتی اگر احساس کند در کارش چندان توفیقی نداشته است؛ زیرا هیچ کاری بدون تأثیر نیست. افزون بر آنکه، ما مأمور به وظیفه هستیم نه مأمور به نتیجه. بنابراین، هدف اصلی از کار، انجام وظیفه است و استاد مسلمان باید آن را بدون خستگی انجام دهد. خداوند در این زمینه چنین دستور می‌دهد: «فاذا فرغت فانصب» (انشراح، ۷)؛ پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز.

۱۰. خوشرو و نرمخو بودن: همه انسانها در زندگی خود مشکلاتی دارند، ولی نباید در مواجهه با دیگران با گفتار یا رفتار خود مشکلاتشان را بازگو و دیگران را غمگین و افسرده کنند. امام علی(ع) در توصیف مؤمن چنین می‌فرماید: «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» (بروجردی، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۵۲۶)؛ شادمانی مؤمن در چهره او و اندوهش در درون اوست.

بر این اساس، استاد مسلمان باید همیشه خوشرو و نرمخو باشد و نباید بی‌دلیل دانشجویان را غمگین کند یا در کلاس از مشکلات شخصی خود بگوید، بلکه باید همیشه شاداب و با نشاط باشد. امام علی(ع) از این ویژگی رسول خدا(ص) چنین یاد فرموده‌اند: «کان دائم البشیر سهل الخلق لین الجانب» (صدوق، ۱۴۱۸، ص ۸۲)؛ رسول خدا(ص) همیشه خوشرو، آسان‌گیر و نرمخو بود.

۱۱. داشتن رفتار پدران: استاد مسلمان باید تمام دانشجویان را همانند فرزندان خود بداند و اگر گاهی موجبات اذیت و آزار او را فراهم آوردند، به دیده عفو و اغماض به رفتار آنان بنگرد نه به دیده خشم و انتقام. امام علی(ع) این ویژگی رسول خدا(ص) را چنین بیان فرموده است: «قد وسع الناس منه خلقه و صار لهم ابا رحيماً» (همان)؛ اخلاق خوش و برجسته رسول خدا(ص) شامل همه مردم می‌شد و او برای آنان پدری مهربان بود.

۱۲. توجه به همه دانشجویان: استاد مسلمان نباید در کلاس، دانشجو یا دانشجویانی را با نگاههای خود بیشتر از دیگران مورد محبت قرار دهد؛ زیرا این کار گذشته از آنکه سایرین را نسبت به استاد بدبین می‌کند و موجب نفرت از استاد می‌شود، حسادت دانشجویان نسبت به دانشجوی مورد توجه استاد را هم در پی دارد و مشکلاتی را برای آنان به وجود می‌آورد. بنابراین، استاد در پرسیدن، پاسخ دادن و نگاه کردن، باید به همه دانشجویان به طور مساوی توجه داشته باشد. در این خصوص امام علی(ع)، رسول خدا(ص) را چنین توصیف فرموده‌اند: «و يعطى كل جلسائه تصيبه حتى لا يحسب احد من جلسائه ان احداً اكرم عليه منه» (بروجردی، ۱۴۰۷، ج ۱۶، ص ۱۹)؛ در توجه، همه همشینیان را مورد عنایت قرار می‌داد؛ به گونه‌ای که هیچ کس از همشینیان او تصور نمی‌کرد که دیگری بر او برتری دارد.

۱۳. بی‌اعتنا بودن به حقوق مادی: استاد مسلمان نباید اساس کارش را بر محور حقوق مادی استوار کند و ارزش کار خود را با حقوق ناچیز معاوضه کند. این سخن بدان معنا نیست که او حقوق دریافت نکند، بلکه به این معناست که نباید کار خود را وابسته به آن کند؛ به گونه‌ای که اگر در موردی وجودش لازم بود ولی از نظر مالی مشکلی وجود داشت، از انجام وظیفه طفره رود. خداوند در این زمینه دستور می‌دهد: «و ما اسألکم علیه من اجر إن اجری إلا علی رب العالمین» (شعرا، ۱۰۹)؛ من در برابر این کار از شما پاداشی طلب نمی‌کنم و تنها پاداش آن را از خداوند می‌خواهم.

ب) روشهای مستقیم

مقصود از روش مستقیم، روشهایی است که بدون واسطه در آموزش درست نقش دارند؛ به گونه‌ای که اگر این روشها به کار گرفته نشوند، با وجود آمادگی ذهنی دانشجو برای آموزش، توفیق چندانی نصیب استاد نخواهد شد. بعضی از این روشها به شرح ذیل می‌باشند:

۱. تندخو بودن: استاد مسلمان نباید گفتار و رفتارش توأم با خشونت باشد؛ زیرا تندخویی تأثیر منطقی سخن انسان را از بین خواهد برد. گفتار و رفتار استاد مسلمان باید ملایم و دلنشین باشد. این الگوی آموزشی رسول خدا (ص) در قرآن کریم چنین بیان شده است: «فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لا نفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم في الأمر فإذا عزمت فتوكل على الله إن الله يحب المتوكلين» (آل عمران، ۱۵۹)؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [=مردم] نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن. اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و) بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

۲. عادل بودن: استاد مسلمان باید عدالت را در رفتار و گفتارش رعایت کند و از هر گونه تبعیض نسبت به دیگران به دور باشد. این سخن بدین معنا نیست که نباید بین دانشجویان تفاوت گذاشت، بلکه تفاوت دانشجویان واقعیتی غیر قابل انکار و رعایت آن لازم است؛ زیرا رعایت نکردن تفاوتها، خود تبعیض و ظلم است و استاد مسلمان باید از هر گونه ظلم به دور باشد. خداوند در قرآن کریم به پیامبر (ص) چنین می‌فرماید: «فلذلك فادع واستقم كما امرت و لا تتبع اهواءهم و قل آمنت بما أنزل الله من كتاب و امرت لاعدل بینكم الله ربنا و ربكم لنا اعمالنا و لكم اعمالكم لا حجه بیننا و بینكم الله یجمع بیننا و إلیه المصیر» (شورا، ۱۵)؛ پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچه‌ای که مأمور شده‌ای استقامت نما و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن و بگو به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم. خداوند



پروردگار ما و شماست. نتیجه اعمال ما از آن ماست و نتیجه اعمال شما از آن شما؛ خصومت شخصی در میان ما نیست و خداوند ما و شما را در یک جا جمع می‌کند و بازگشت (همه) به سوی اوست.

۳. سخن قابل فهم گفتن: استاد مسلمان باید به گونه‌ای سخن بگوید که دانشجویان سخن او را بفهمند. از این رو، باید از به کار بردن واژگان مبهم و بیگانه‌ای که فهم مطالب را دشوار می‌کند پرهیزد یا اینکه قبل از ورود در بحث، اصطلاحات و واژگان نامأنوس را شرح دهد. خداوند این ویژگی رسول خدا(ص) را چنین بیان می‌فرماید: «و ما ارسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبین لهم» (ابراهیم، ۴)؛ ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد.

۴. مشارکت دادن دیگران: استاد مسلمان نباید همه کارهای کلاس را خود به عهده بگیرد، بلکه در حد امکان باید کارها را به دانشجویان واگذار کند تا با مشارکت در اداره کلاس، آنان را برای اداره آینده جامعه آماده کند. امام علی(ع) یکی از ویژگی‌های رسول خدا(ص) را چنین بیان می‌فرماید: «فمنهم ذوالحاجه و منهم ذوالحاجتین و منهم ذوالحوایج، فیتشغل بهم و یشغلهم فیما اصلحهم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۳۳)؛ بعضی از آنان یک خواسته و بعضی دو خواسته و بعضی خواسته‌های متعدد داشتند. رسول خدا(ص) در صدد حل مشکلات آنان بر می‌آمد و دیگران را در آنچه صلاح آنان بود به حل مشکلات وا می‌داشت.

۵. تشویق خوبان و خوبی‌ها: استاد مسلمان در کلاس باید مراقب همه امور باشد و از مسائل مربوط به دانشجویان پرس و جو کند؛ کارهای خوب آنان را مورد تحسین قرار دهد و خوبان را تشویق کند؛ به گونه‌ای که هم آنان امیدوار شوند و به کار خوب ادامه دهند و هم دیگران به انجام کار خیر تشویق شوند. امام علی(ع) از این روش رسول خدا(ص) چنین یاد می‌کند: «یسأل الناس عما فی الناس و یحسن و یقویه» (همان)؛ از آنچه در میان مردم می‌گذشت از مردم می‌پرسید و کار نیکو را تحسین و تقویت می‌کرد.

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۶۷

۶. **تقبیح زشتی‌ها و تحقیر آنها:** استاد مسلمان علاوه بر واکنش در برابر کارهای خوب، باید در برابر کارهای زشت و ناهنجاری که از سوی عده‌ای سر می‌زند نیز حساس باشد و بدون توهین به شخصی که آن کار را انجام داده است، کار زشت را تقبیح کند و خوار شمارد؛ به گونه‌ای که دانشجویان دریابند آن کار زشت است و نباید انجام دهند. امام علی(ع) این ویژگی رسول خدا(ص) را چنین بیان فرموده است: «و یقبح القبیح و یهونه» (همان)؛ کار زشت را تقبیح می‌کرد و آن را خوار می‌شمرد.

۷. **قطع نکردن کلام دیگران:** استاد مسلمان نباید به هنگام سخن گفتن دانشجویان، سخن آنان را قطع یا از سخن آنان جلوگیری کند، بلکه باید صبر کند تا سخن آنان تمام شود. یکی از ویژگی‌های آموزشی رسول خدا(ص) را امام علی(ع) چنین بیان فرموده است: «و لا یقطع علی احد کلامه حتی یجوزه» (صدوق، ۱۴۱۸، ص ۸۲)؛ رسول خدا(ص) سخن کسی را قطع نمی‌کرد تا سخن او تمام شود.

۸. **فریاد نکردن:** استاد مسلمان نباید به هنگام تدریس و پاسخ دادن به سؤال دانشجویان، فریاد بزند، بلکه باید به آرامی سخن بگوید. یکی از ویژگی‌های رسول خدا(ص) این بود که: «و لا صحاب» (همان)؛ جیغ نمی‌کشید.

۹. **ناسزا نگفتن:** در اسلام ناسزا گفتن پذیرفته نیست و مسلمان حق ندارد در تعامل کلامی با دیگران از الفاظ زشت استفاده کند. امام کاظم(ع) می‌فرماید: «یا هشام! ان الله حرم الجنة علی کل فاحش بذی قلیل الحیاء، لا یبالی ما قال و ما قیل فیه» (ابن شعبه، ۱۴۰۰، ص ۴۱۶)؛ ای هشام! خداوند بهشت را بر ناسزاگوی کم حیا که از آنچه می‌گوید یا درباره‌اش می‌گویند واهمه ندارد، حرام کرده است.

این دستور برای همه مسلمانان است، ولی استاد مسلمان به دلیل جایگاه آموزشی و تربیتی ویژه‌اش باید بیشتر مراقب باشد. از ویژگی‌های رسول خدا(ص) این بود که: «و لا فحاش» (صدوق، ۱۴۱۸، ص ۸۲)؛ ناسزا نمی‌گفت.

۱۰. **عیبجو نبودن:** استاد مسلمان نباید در صدد عیبجویی و مچ‌گیری از دانشجویان

باشد، بلکه باید در برابر اشتباهات آنان، در بیشتر موارد از اصل تغافل استفاده کند. به کارگیری روش عیبجویی، گذشته از آنکه به شخصیت استاد آسیب می‌رساند، دانشجو را نیز جسور کرده، قانون‌شکنی را برایش آسان جلوه می‌دهد و گاه برای انتقام گرفتن از رفتار استاد، دست به رفتار ناهنجار می‌زند. امام علی(ع) یکی از ویژگی‌های رسول خدا(ص) را چنین بیان می‌کند: «و لا عیاب» (همان)؛ عیبجو نبود.

۱۱. برنامه‌ریزی: استاد مسلمان باید در تمام کارهای خود برنامه داشته باشد؛ به گونه‌ای که کار آموزشی و تربیتی او به روابط خانوادگی یا کارهای عبادی او آسیبی نرساند. بر این اساس، باید کار دانشگاه در دانشگاه، کار منزل در منزل و مناجات و دعای او نیز در وقت خود انجام شود. امام علی(ع) از این ویژگی رسول خدا(ص) چنین یاد می‌فرماید: «اذا اوی الی منزله جزء دخوله ثلاثه اجزاء؛ جزء لله و جزء لاهله و جزء لنفسه» (همان)؛ هنگامی که به منزل می‌آمد وقتش را به سه بخش تقسیم می‌کرد: بخشی مربوط به خدا (یعنی زمانی را به عبادات و مناجات خود با خدا اختصاص می‌داد)، بخشی مربوط به خانواده (در واقع؛ زمانی را به همسر و فرزندان خود اختصاص داده، خواسته‌های آنان را تأمین می‌کرد، با آنان به گفتگو می‌نشست، به آنان کمک می‌کرد و با فرزندان خود بازی می‌کرد؛ به خصوص با امام حسن و حسین علیهما السلام که در دوران حیات آن حضرت دوره کودکی را می‌گذراندند) و بخشی مربوط به خویشتن (که شامل انجام کارهای اجتماعی آن حضرت بود).

۱۲. اولویت‌بندی: استاد مسلمان باید بتواند نسبت به چگونگی و زمان بیان مطالب خود به دانشجویان اولویت‌بندی کند. استاد برای رسیدن به این هدف باید پیش از تدریس، درس را دو بار مطالعه کند؛ یک بار برای فهم درست خود از مطلب و یک بار نیز برای دریافت این نکته که این درس را چگونه بیان کند تا درک آن برای دانشجویان آسان‌تر باشد و این کار، بدون اولویت‌بندی امکان ندارد. امام علی(ع) یکی از ویژگی‌های رسول خدا(ص) را چنین بیان فرموده است: «ثم جزء جزئه بینه و بین الناس فیرد بذلک بالخاصه علی العامه» (همان). دانشمندان اسلامی این جمله را دو گونه تفسیر کرده‌اند:

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۶۹

الف) رسول خدا(ص) وقت مخصوص خود را میان خود و مردم تقسیم کرده بود و مطالب، تذکرات و... را ابتدا با اصحاب خاص خود می‌گفت و آنان فرمایشهای ایشان را به دیگران منتقل می‌کردند.

ب) رسول خدا(ص) وقت مخصوص خود را میان خود و مردم تقسیم کرده بود و ابتدا با اصحاب خاص خود جلسه می‌گذاشت و سپس با توده مردم جلسه داشت. (همان) پذیرش هر یک از این دو تفسیر، حاکی از اولویت‌بندی در کارهاست که باید مورد توجه قرار گیرد.

۱۳. از دیگران نظر خواستن: یکی از عوامل توفیق و رسیدن به هدف در هر کاری، مشاوره و از دیگران کمک فکری خواستن است. امام علی(ع) درباره تأثیر مشورت و نظرخواهی از دیگران می‌فرماید: «من استبد برأیه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولها» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)؛ هر کس تنها به اندیشه خود تکیه کند، هلاک خواهد شد و هر کس با دیگران مشورت کند، در عقل آنها مشارکت کرده است.

بنابراین، استاد مسلمان نباید خود رأی و مستبد باشد، بلکه باید در کارهای مربوط به دانشجویان با خود آنان یا دیگران مشورت کند. رسول خدا(ص) برترین انسانهاست، ولی خداوند به ایشان دستور می‌دهد که با مردم مشورت کند: «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الأمر فإذا عزمت فتوكل على الله إن الله يحب المتوكلين» (آل عمران، ۱۵۹)؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن. اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

۱۴. تسلط بر روشهای کاری: استاد مسلمان باید به تمام روشهای کاری در حوزه مسئولیت خودش آشنا باشد؛ به طوری که بتواند در هر موردی از شیوه مناسب استفاده کند

تا تأثیر مطلوب داشته باشد. خداوند به پیامبر(ص) چنین امر می فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن إن ربک هو اعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین» (نحل، ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی نیکو، استدلال و مناظره کن. پروردگارت از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده و او به هدایت یافتگان داناتر است.

در این آیه، سه ویژگی مورد تأکید قرار گرفته است:

الف) حکمت: استدلال منطقی که حق را روشن ساخته، شبهات را از بین ببرد. (زمخشری،

۱۳۹۷، ج ۲، ص ۴۳۵)

ب) موعظه: یادآوری کار خوب به گونه‌ای که قلب انسان در برابر آن رام

شود. (ابن‌احمد، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۲۸)

ج) جدال: گفتگو کردن به گونه‌ای که مانع روشن شدن حق شود. (فیومی، ۱۴۲۵، ص ۹۳)

در آیه یاد شده که جدال، توصیف به احسن شده است، به این معناست که جدالی مطلوب است که برای روشن شدن حق باشد. البته در این راه انسان نباید به دیگران توهین کند و از شیوه‌های خلاف ادب و اخلاق بهره گیرد، بلکه برای روشن شدن حق در هر مسئله‌ای باید از روشی استفاده کرد که همراه با اخلاق و عدالت باشد.

۱۵. نظارت بر مراحل آموزش و تربیت: استاد مسلمان علاوه بر درست بودن محتوا و جهت‌گیری آموزشی، باید برای کامل کردن کار خود، بر مراحل آموزش تا پایان آن نظارت داشته باشد تا انحرافی پیش نیاید. خداوند می فرماید: «انا ارسلناک شاهداً» (احزاب، ۴۵)؛ ما تو را به عنوان گواه و شاهد فرستاده‌ایم. شاهد در صورتی می تواند وظیفه خود را انجام دهد که بر مراحل مختلف کار نظارت داشته، آنها را پیگیری کند.

### راهکارها و پیشنهادها

با توجه به آنکه برای رسیدن به یک نظام آموزشی مبتنی بر آموزه‌های دینی، سه گروه مسئولان، استادان و دانشجویان دخالت دارند، پیشنهادها در سه بخش ارائه می شود:

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۷۱

### الف) مسئولان

۱. طراحی نظام آموزشی هدفمند بر اساس آموزه‌های دینی که ضمن به هم پیوستگی در مراحل پیش‌دبستانی، دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه قابل اجرا باشد؛
۲. تهیه متون آموزشی هماهنگ با جهت‌گیری آموزشی یاد شده در مقاله برای همه مراحل آموزشی، به خصوص در علوم انسانی؛
۳. تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد برای پیاده کردن نظام آموزشی در مراحل مختلف آن؛
۴. برطرف کردن دغدغه معیشتی استادان و معلمان تا همه توان خود را صرف کار آموزشی و پژوهشی کنند؛
۵. ایجاد امنیت شغلی و آرامش روحی برای استادان و معلمان؛ به گونه‌ای که تحولات سیاسی کشور، مخل امنیت شغلی آنان نباشد؛
۶. تلاش فرهنگی برای تغییر نگاه همه آحاد جامعه به مراکز آموزشی به عنوان مکانهای مقدس که در صورت ایجاد این تحول، آثار بسیار مثبتی به دنبال خواهد داشت؛
۷. پاکسازی مراکز آموزشی از عناصری که مبتلا به فساد (از هر نوعش) می‌باشند؛
۸. میدان دادن به دانشجویان با انگیزه و پرتلاش و تهیه امکانات لازم برای کارهای پژوهشی.

### ب) دانشجویان

۱. تلاش برای گسترش انگیزه‌های دینی و حس دین‌باوری؛
۲. تصحیح انگیزه آموزشی از مدرک‌گرایی به علم‌محوری؛
۳. از بین بردن زمینه‌های پیدایش فساد در مراکز علمی؛
۴. گزینش همه‌جانبه دانشجویان از جهت هوش، استعداد، سلامت روحی و... بدون حبّ و بغض.

### ج) استادان و معلمان

۱. توجه استادان و معلمان به ضرورت تصحیح جهت‌گیری آموزشی؛
۲. خودباوری و اعتماد به نفس جهت نوآوری و نظریه‌پردازی؛
۳. اولویت دادن به کار آموزشی و پژوهشی در هر شرایط؛
۴. ضرورت توجه به خودسازی و تزکیه نفس و توجه داشتن به آن در آموزش و پژوهش؛
۵. شرکت در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت جهت تقویت آموزه‌های دینی و حس دین‌باوری؛
۶. احساس مسئولیت در برابر منافع و سرمایه‌های ملی به‌خصوص استعدادهای نهفته در دانشجویان.

### نتیجه‌گیری

نیاز بشر به تعلیم و تربیت نیازی دیرینه است که در اسلام به بهترین وجه برآورده شده؛ به گونه‌ای که در هیچ دینی به اندازه اسلام، از علم، عالم، دانشجو، تلاش علمی و... تجلیل نشده است. لذا با توجه به تأثیرپذیری نظامهای آموزشی از جهان‌بینی حاکمان سیاسی، طراحان نظام آموزشی، دانشمندان، دانشجویان، مراکز آموزشی، اهداف، روشها و... خاصی را می‌طلبد.

نظام آموزشی در کشورهای اسلامی، متأثر از جهان‌بینی دینی است و در این جهان‌بینی، خداوند اساس و محور همه چیز می‌باشد؛ بنابراین، حداقل باید در سه جهت با سایر نظامهای آموزشی متفاوت باشد. این جهات عبارتند از:

۱. جهت‌گیری آموزشی: مقصود از جهت‌گیری آموزشی، انگیزه کار علمی است که استاد و دانشجو با انگیزه الهی و انجام تکلیف شرعی برای برطرف کردن نیازهای جامعه اسلامی کار علمی را انجام دهند.

تبیین وجوه نظام آموزش دانشگاهی با بهره‌گیری از سیره پیامبر اعظم(ص) ♦ ۷۳

۲. محتوای آموزشی: مقصود از محتوای آموزشی آن است که ضمن برطرف کردن نیاز علمی هر بعدی از ابعاد زندگی، هدایت جامعه به سوی خدا و هدف آفرینش انسان، هدف اصلی باشد.

۳. الگوهای آموزشی: ارائه الگو در تعلیم و تربیت برای آسان نشان دادن کار و به نمایش گذاشتن محصول کار ضرورت دارد و انسانها به صورت طبیعی از دیگران الگوبرداری می‌کنند. از این جهت، خداوند در قرآن کریم، پیامبر اسلام(ص) را به عنوان بهترین الگو مطرح و از مسلمانان خواسته است در همه کارها او را الگو قرار دهند و امیرالمؤمنین(ع) بهترین مسلمان را کسی می‌داند که به پیامبر(ص) اقتدا کند.

یکی از ابعاد الگوپردازی، الگوپردازی در نظام آموزشی است که روشهای مستقیم آن از قبیل عادل بودن، خشن نبودن، عیبجو نبودن، تشویق کردن، قابل فهم سخن گفتن، اولویت بندی، برنامه ریزی، تسلط بر روشهای کاری و... در رفتار و گفتار رسول خدا(ص) مورد بحث قرار گرفت.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۶۷)، سید رضی، قم، دارالهجره.
۳. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۳)؛ صحیفه نور، ج ۷ و ۸، ج دوم، تهران، چاپ انتشارات اسلامی.
۴. آمدی، ناصح‌الدین (۱۳۹۳ق)؛ غرر الحکم و درر الحکم، قم، دارالکتاب.
۵. ابن احمد، خلیل (۱۳۶۵)؛ العین، تحقیق مهدی المخزومی، قم، بی‌نا.
۶. ابن شعبه، حسن بن علی بن الحسین (۱۴۰۰ق)؛ تحف العقول، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۷. ابن هشام، عبدالملک محمد (بی‌تا)؛ السیره النبویه، بیروت، داراحیاء التراث.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۶ق)؛ مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان، قم، طلیعه نور.
۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۷ق)؛ الکشاف عن الحقایق التنزیل و عیون الا تاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالفکر.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۸ق)؛ معانی الاخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۱. طباطبایی بروجردی، سید حسین (۱۴۰۷ق)؛ جامع احادیث الشیعه، قم، مدینه العلم.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)؛ مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۳. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)؛ وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل‌البت.
۱۴. عطاردی، عزیزالله (۱۴۰۶ق)؛ مسند الامام الرضا (ع)، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع).
۱۵. فیض کاشانی، محسن (۱۳۹۳ق)؛ الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۲۵ق)؛ المصباح المنیر، قم، دارالهجره.
۱۷. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)؛ الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰ق)؛ اصول الکافی، ترجمه مصطفوی و محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)؛ بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
۲۰. مرتضوی، سید محمد (۱۳۷۵)؛ اصول و روشها در نظام تربیتی اسلام، مشهد، گلنشر.
۲۱. هندی علاء‌الدین (۱۴۰۹ق)؛ کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله.